یادداشت

نگاهی به آثار و زندگی کاراواجیو

شاهزاده تاریکی

علیرضا امیرحاجبی

هجدهم جولای (بیست و هفتم تیر)، چهارصدمین سالمرگ کاراواجیو نقاش نابغه و پیشرو ایتالیایی در بسیاری از شهرهای اروپایی گرامی داشته شد. در اقدامی کم‌سابقه واتیکان یکی از آثار شگفت‌آور وی به نام «دفن مسیح» را از گنجینه سربسته خود خارج کرد و در موزه «اسکودری دل کرنیالـه» به همراه ۲۳ تابلوی دیگر از کاراواجیو در معرض دید عموم قرار داد.

ظهور یک پدیده

کاراواجیو را می‌توان با قاطعیت یک پیشـرو (آوانگارد) نامید. وی با ابداع و گسترش ایده تضاد میان سایه و نور که بعدها در جهان هنر به تکنیک Chiaco-scuro معروف شد، گامی بسیار مهم و سرنوشت‌ساز را در سنت نقاشی اروپا برداشت. عنصر نور در دوران کاراواجیو و قبل از آن به عنوان منبعی آسمانی و معنوی سراسر فضای نقاشی اروپا را دربر گرفتـه بود. با وجود اینکه عصر رنسـانس (۱۶۰۰-۱۴۵۰) دوران تحـول فرهنـگ و هنرهای تجسـمی اروپا قلمداد می‌شود اما موضوع تضاد سایه و روشن آنچنان مورد توجه هنرمندان قرار نمی‌گرفت و آنان بیشـتر به مقولاتی چون تناسبات، تقارن، پرسپکتیو و معماری علاقه نشان می‌دادند و در این زمینه‌ها نقاشی را به اوج رساندند.این تنها کاراواجیو بود که براساس پیش‌زمینه‌های فکری و روانی خود به ناگهان فضای روشن نقاشی ایتالیا و اروپا را تاریک و اندوهبار کرد. به زبان دیگر نقاشـی و نگرش کاراواجیو، اعلام پایان دوران رنسـانس و آغاز دورانی به شدت سرنوشت‌ساز بود؛ «دوران باروک». بسیاری از کارشناسان وی را متقدم‌ترین هنرمند بـاروک معرفی کرده‌اند. زندگـی کاراواجیو کوتاه و مملو از موقعیت‌های تراژیک و تکان‌دهنده بود.

میکل‌آنجلو مریسـی معروف به کاراواجیو در سـپتامبر ۱۵۷۱ میـلادی در میـلان متولـد شـد و تحصیـلات و آموزش‌های ابتدایی خود را در زادگاهش به پایان رسـاند. ارتباط خانواده مریسی با اشراف‌زادگانی چون اسفورتزا نقش مهمی در آینده وی ایفا کرد. کاراواجیو چهار سال نزد سیمونه پترزانو شاگرد تسین (نقاش پرآوازه ایتالیایی) آموزش دید و در همان دوران بود که با سفر به ونیز با هنر نقاشان آن دیار آشنا شد. وی ستایشگر سبک لئوناردو و آثار هنری منطقه لمباردی بود و با اشتیاق به آن سبک روی آورد. ساده‌گرایی، بی‌پیرایگی و تمرکز بر طبیعت یا همان ناتورالیسم لومباردی کاراواجیو را مفتون خود کرده بود. در اواسـط سال ۱۵۹۲ وی میـلان را بـه قصد رم ترک کـرد و در میانه راه پس از مشاجره با شـوالیه و زخمی کردن او، درمانده، بدون هیچ پول و توشه‌ای به پایتخت رسید. آشنایی با جوزپه چزاری نقاش محبوب پاپ کلمان هشتم باعث شد کاراواجیو با خلق مجموعه نقاشی‌های «سبد میوه» مهارت و استعداد خود را در سبک و سیاق منریسم طبیعت‌گرا به اثبات رساند. ژول ژانیک در کتاب میوه کاراواجیو می‌نویسـد: «رئالیستی که در سبد میوه قابل مشاهده است، بی‌شک اولین اثر طبیعت بی‌جان مسـتقل در اروپا محسوب می‌شود.» هنوز وقت آن نرسیده بود تا روشنایی از نقاشی‌های کاراواجیو رخت بربندد تا مالیخولیای تاریکی بر هنرش اسـتیلا یابد. اما در همین مجموعه آثار که بین ۱۵۹۳ تا ۱۵۹۹ خلق شده است می‌توان تمایل و توجه وی به سایه‌ها را به خوبی مشاهده کرد. چه در اثر مشهورش «پسربچه با سبد میوه» که سایه سوژه کم و بیش بر دیوار نقش بسته و چهره پسر نوجوان از سمت راست با سایه‌ای لطیف پوشانده و تا زیر گردن ادامه و شدت یافته و چه در «کارت‌بازها» (۱۵۹۴) که دو شخصیت تحت تاثیر نوری قرار گرفته‌اند که از سـمت چپ تابلو می‌تابد، سایه‌ها گفت‌وگوی خود را با روشنایی آغاز کرده‌اند.

عنصر دوم

آثار کاراواجیو به تدریج و با مشـهور شـدنش به سوی موضوعات مذهبی حرکت می‌کند. او بین سال‌های ۱۶۰۰ تا ۱۶۰۶ مشهورترین نقاش پایتخت می‌شود.

نقاشـی «احضار ماتیـوس» (۱۶۰۰-۱۵۹۹) سـرآغاز هنرنمایـی بی‌همتای کاراواجیو به عنوان هنرمند سـایه‌ها بـود. ایـن اثر قدرت هنرمند را در نمایـان کردن تضاد نور و تاریکـی به نمایش می‌گـذارد؛ اتاقی تاریک و نوری که از پنجره سـمت راست تابلو به قدرت و شدت به درون تابیده و حاضران از جمله ماتیوس را تحت تاثیر قرار داده اسـت.

گزارش یک مرگ

اهمیت کاراواجیو تا بدان حد اسـت که پس از گذشت ۴۰۰ سال دانشمندان بر اساس شواهد تاریخی، جغرافیایی و بیولوژیک پروژه تحقیقاتی جدیدی را جهت کشف علت مرگ و محل دقیق دفن وی آغاز کرده‌اند زیرا مرگش نیز به مانند هنرش مبهم باقی مانده است. برخی معتقدند کاراواجیو به قتل رسیده و عده‌ای دیگر با در نظر گرفتن شیوع بیماری‌های کشنده در آن دوران، علت مرگ را مالاریا، سفلیس و تیفوئید قلمداد می‌کنند. گروهی دیگر مواد شیمیایی و مشتقات جیوه را که هنرمندان در رنگ‌های آن زمان اسـتفاده می‌کردند عامل فوت کاراواجیو می‌دانند. دانشـمندان دانشـگاه‌های راونـا و بولونیـا با نمونه‌برداری متعدد از DNA سـاکنان برخی از مناطق توسـکانی سعی کردند به ساختار ژنتیکی کاراواجیو نزدیک شوند و همزمان ۹ جسد در دانشگاه راونا مورد بررسی قرار گرفته است تا احتمال وجود بیماری‌هایی چون مالاریا و تیفوئید در آن منطقه در سال‌های ۱۶۰۰ تا ۱۶۱۰ ثابت شـود. از سـوی دیگر کارشناسان امیدوارند با ردگیری نوادگان خانواده مریسی زنجیره DNA کاراواجیو را تکمیل کنند. پروفسـور جورجیو گروپونی از دانشـگاه راونا به رویترز گفته اسـت: «آزمایش DNA را به شـکل گسـترده‌ای آغاز کرده‌ایم و هر آن کس که با نام خانوادگی مریسی شناسایی شده به شکل داوطلبانه مورد نمونه‌گیری DNA قرار گرفته و هم‌اکنون الگوی اصلی ژنتیک خاندان مریسی را در اختیار داریم و می‌توانیم آن را با بقایای لوازم و البسه کاراواجیو مطابقت دهیم.» تئوری دیگر از سوی یکی از مورخین دانشگاه ناپل مطرح شده که بر اساس یادداشت غیررسمی واتیکان شکل گرفته است. بر اساس این گزارش کوتاه که در سـال ۱۶۱۰ میلادی نوشته شده کاراواجیو در یک اقدام انتقام‌جویانه توسط شوالیه‌ای از مالت کشته شده است. گزارشـات دیگری چون غرق در رودخانه‌ای نزدیک پورتو ارکول و نیز مرگ در بیمارستان محلی و سپس دفن در گورستان سن‌سباستین نیز به پیچیدگی داستان مرگ کاراواجیو دامن می‌زند. حال باید منتظر ماند تا نتایج قطعی تحقیقات کارشناسان منتشر شود. اما آنچه از کاراواجیو باقی مانده آثار اوسـت؛ آثاری درخشان که نماینده اصلی دوران باشـکوه باروک و بازنمایانگر رنج انسان است؛ رنجی عمیق که در تاریکی ناخودآگاه انسان خانه دارد.

گفت‌وگو با کامران عدل درباره اقتصاد هنر

این حباب می‌ترکد

سما بابایی

«کامران عدل» نیم قرن است که عکاسی می‌کند. عکس‌هایـش حـالا بخشـی از تاریـخ، فرهنگ و معمـاری ایران هسـتند کـه دیگر فرامـوش شـده و از بیـن رفته‌اند. او در نظـر دارد دی‌ماه سـال جاری نمایشـگاهی از عکس‌های قدیمی خـود را از یـزد به نمایـش بگذارد. البتـه تا آن زمان نمایشـگاهی نیز در شهر دوبی امارات متحده عربی برگزار می‌کند که هنوز تاریخ دقیق آن مشخص نشده است. عدل دارای دیپلم هنرستان صنعتی عکاسی از فرانسه است. وی پس از اخذ دیپلم هنرسـتان، در بزرگ‌ترین مجموعه لابراتوارهـای ظهـور و چاپ عکس اروپـا به نـام هامل مشـغول به کار شـد و در بخـش چـاپ عکس‌های بزرگ متری به کار پرداخت. پس از شش ماه کار نزد هامل، به دستیاری ژاک روشـون در امـر عکاسـی مد پرداخـت. ولی این حرفـه، روحیه جسـت‌وجوگر او را راضـی نکرد و سـرانجام به دعوت سـازمان رادیو تلویزیون ملی ایـران، که به تازگی تاسیس شده بود، در ۱۳۴۷ به تهران آمد و مدیر گروه عکاسـی سازمان شد. در همین موقع، وی به تدریس عکاسی در مدرسـه عالی سینما و تلویزیون پرداخت. همکاری وی با مدرسه عالی به خاطر بحث‌های سیاسی مطرح در آن مدرسه، بیش از یک سال به درازا نکشید و وی از آن پس انرژی خود را فقـط معطوف کارهای سـازمان تلویزیون ملی ایـران و تربیـت کادر آتی سـازمان کرد. در ۱۳۵۰ دانشجویان مدرسه عالی دست به اعتصاب گسترده‌ای زدند و خواستار مراجعت کامران عدل به مدرسه عالی شدند. از آنجا که وظایف وی در این مدت به شدت افزایش یافته بود، کامران عدل ضمن سرپرستی دروس و کارهای عملی دانشجویان، امر تدریـس را به آقای علی فرزانه یکی از همکارانش واگذار کرد. این وضع تا زمان استعفای او از سازمان در اسـفند ۱۳۵۳ ادامـه داشـت. وی عکس‌هـای اشـیای موزه‌های فرش، موزه رضا عباسـی، موزه هنرهای معاصر، موزه صنعتی کرمان، موزه رشـت و عکسبرداری‌های انتشاراتی، از جمله هفت جلد کتاب اجرای نقش در کاشـیکاری ایران، گذری به چهـار محال و بختیـاری و معماری معاصر ایران را عکاسـی کـرد. از ۱۳۵۸ همکاری خـود را با بنیاد معتبر فرهنگی، که به‌تازگی تاسیس شده بود، آغاز کـرد و به عنوان عکاس هیات داوران جایزه معتبر معماری و همچنین عکاسـی از شـهرهای مختلف جهان اسـلام فعالیت کرد. ایـن همکاری همچنان ادامه دارد. در داخل کشور نیز فعالیت چشمگیری داشت و از بزرگ‌ترین فعالیت‌های صنعتی و معماری کشور عکاسی کرد.

عکس: مهدی حسنی

– نمایشگاه بعدی شـما که موضوعش عکس‌های قدیمی‌تان درباره شهر تاریخی «یزد» است، به نظر می‌رسـد چندان رئال نیستند،یعنی این آدم‌هایی که در این عکس‌ها مشـاهده می‌شوند، انگار اکت واقعی از خود نشـان نداده‌اند و مقابل دوربین شما ژست گرفته‌اند.

البته هیچ کدام از این آدم‌هایی که شما در این عکس‌ها می‌بینید و قرار است چند ماه دیگر در گالری «شیرین» به نمایش درآیند، مدل‌های من نبوده‌اند که مقابل دوربینم ژسـت بگیرند، اما از آنجا که من در آن سـال‌ها – این عکس‌ها مربوط به بیش از ۳۰ سال قبل است و به تازگی تصمیم گرفته‌ام به نمایش‌شان بگذارم – زمان زیادی را صرف آنها کرده‌ام، این تصور را در ذهن بیننده به وجود می‌آورنـد، به همین خاطر من خودم بر این اعتقادم که این عکس‌ها سوررئال هستند.

– این آثار به همان صورت نمایشـگاه قبلی‌تان به فروش خواهد رفت. شـما در نمایشگاه پیشین‌تان تجربـه‌ای کردید که در آن کپی عکس‌هایتان را با قیمت بسـیار کم به فروش رسـاندید. این تجربه ادامه خواهد یافت؟

به آن شـکل نخواهد بود، امـا همچنان در جوی که هم‌اکنون بر فروش آثار تجسـمی حکمفرماسـت، قرار نخواهم گرفت و قیمت متوسـطی میـان ۵۰۰ تا ۶۰۰ هـزار تومان را برای آن در نظر گرفته‌ام؛ قیمتی که فکر می‌کنم مناسب است و هم مردم می‌توانند آن را بخرند.

– ایـن کمتـر از آن قیمتی نیسـت کـه هم‌اکنون متداول است؟

کامـلاً و اتفاقـاً به عمـد چنین تصمیمـی گرفته‌ام. متاسـفانه این روزها موجی در هنرهای تجسمی تهران راه افتاده است و هنرمندان و گالری‌داران مدام می‌خواهند بگویند ما فلان تابلویمان را ۴۰ میلیون تومان فروخته‌ایم و بهمـان اثر را ۲۰ میلیون تومان. انگار قیمت بالای آثار هنری هم‌اکنون به نوعی پز تبدیل شـده است که کسی هـم نمی‌خواهد از آن یکی عقب بماند. در حالی که من معتقـد قسـمت اعظمی از این قیمت‌هایـی که اعلام می‌شود، یا کاذب است یا بدتر از آن اصلاً واقعی نیستند. فهمیدن این موضوع هم اصلاً کار سـختی نیست، چون سطح زندگی هنرمندان ما در این سال‌ها به اندازه‌ای که می‌گویند قیمت آثارشـان بالا رفته، تغییر نکرده است. بنابراین عده‌ای می‌خواهند با این موجی که هم‌اکنون به وجود آمده اسـت از یک طرف به دیگران فخر بفروشند و از طرفـی برای بـالا رفتن قیمت آثار خـود در آینده برنامه‌ریزی کنند که به نظر من حتی در آینده‌ای نزدیک نیز چنین اتفاقی رخ نخواهد داد. به همین خاطر اسـت که در اکسـپوها اعلام می‌شود مثلاً چند میلیارد تومان اثر خریداری شـده است، اما بعد از چند ماه پول کسانی که آثارشان خریداری شده است، پرداخت نمی‌شود.

– اما به هر حال نمی‌توان منکر این مسـاله شد که اقتصاد هنر در این سال‌ها نسبت به گذشته با یک جهش خوبی روبه‌رو شده است.

حتماً همین طور است، اما در عین حال نباید فراموش کرد که یک جای کار اشکال دارد. در سال‌های اخیر بدون شـک قیمت آثار هنری با افزایش روبه‌رو بوده است که بخشی از آن به خاطر آشنایی بیشتر مردم با هنر بوده و بخشی از آن هم اجتناب‌ناپذیر است. یعنی اگر قیمت آثار هنری را با تورمی که وجود دارد، هم مقایسه کنیم بدون شـک متوجه این افزایش قیمت خواهیم شد. اما حرف من این است که قیمت‌هایی که هم‌اکنون گفته می‌شود، بدون شـک وجود ندارد. مثلاً در یکی از اکسپوهایی که به تازگی برگزار شـده است، اعلام شده آثار ۴/۵ میلیارد تومان به فروش رفته است، این یعنی آنکه حداقل ۴۵۰ نفـر باید اثری را با قیمـت ۱۰ میلیون تومان خریداری کننـد. واقعاً شـما تصور می‌کنید که در شـرایط فعلی این میزان پـول صرف خرید آثار تجسمی می‌شود؟ من که چنین فکر نمی‌کنم. متاسفانه هم‌اکنون تمام فضای هنرهای تجسـمی ما درگیر این مساله شده است.

– شما برای مبارزه با این فضا در نمایشگاه قبلی آثارتان را با آن قیمت کم گذاشتید؟

دقیقـاً. البتـه الان نمی‌توانم بگویم که آن تجربه خیلی موفقی بود، که ای کاش این طور می‌شد، چون در این صورت تجربه خوبی برای دیگـران بود. البته من هیچ وقـت از انجـام تجربه‌های جدید نمی‌ترسم، به خصوص اینکه خودم فکر می‌کنم نوعی کارخانه عکس به حساب می‌آیم، یعنی در ۵۰ سالی که عکاسی کرده‌ام به اندازه‌ای عکس دارم که فرصت انجام هر کار جدیدی را برایـم فراهـم می‌کند، اما باز هـم راه‌های جدیدی را انتخـاب خواهم کرد تا با این فضایی که هم‌اکنون وجود دارد، مقابله کنم.

– گمان می‌کنید که هنرهای تجسمی ایران در این زمینه به یک تعادلی برسد، یعنی نه شکل گذشته وجود داشته باشد و نه این فضایی که به قول شما کاذب است؟

شـک نکنید که دیر یا زود ایـن جریان می‌خوابد. تا ابد نمی‌شـود واقعیت را کتمان کـرد. در واقع این‌جوی کـه هم‌اکنون وجود دارد، حاصل چشـم و همچشـمی یکسـری گالری‌دار است که هنرمندان هم خواه‌ناخواه با آن درگیر شده‌اند.

– بخشـی از افزایـش قیمت آثار هنـری به علت حراجی‌هایی است که در سال‌های اخیر در منطقه خاورمیانـه به وجود آمده اسـت، به نظر شـما این مساله چقدر تاثیرگذار است؟

من هیچ وقت در این حراجی‌ها حضور نداشته‌ام یعنی از یـک طرف علاقه‌ای به ایـن کار ندارم و از طرف دیگر به خاطر درگیری‌های سـابق با برخی مسوولان هنرهای تجسـمی که هم‌اکنون بعضی از آنها دست‌اندرکاران این حراجی‌ها هستند، این امکان را برایم به وجود نمی‌آورند و در این زمینه کارشکنی می‌کنند، اما واقعاً باید تحقیق کرد که در آن حراجی‌ها چه اتفاقی می‌افتد و آیا اگر هم اثری با قیمت بالا در آن به فروش می‌رسد می‌توان همان انتظار را در ایران هم داشـت یا خیر؟ ضمن اینکه نمی‌توان این مساله را نادیده گرفت که اصولاً هم قیمت و هم جریان‌های هنری را اغلب کسانی غیر از هنرمندان به وجود می‌آورند، مثلاً موجی از کارهای امپرسیونیستی یا دادائیستی شکل می‌گیـرد که این انتظار وجـود دارد که همه آثار به این شکل خلق شوند و اگر غیر از این باشد به هیچ وجه مورد توجه قرار نمی‌گیرد. یعنی بعد از شکل‌گیری جریان هنر مدرن هنرمندان نمی‌توانند بر اساس «احساس» خود کار کنند، ناچارند بر اساس «مد»ی که حاکم است، فعالیت داشته باشند.

– حـالا این اتفـاق خوبی برای هنرهای تجسـمی ایران است یا بد؟

بایـد در ایـران منتظـر ماند و نتیجه‌اش را دید، چون مدت زیادی نیسـت که از این جریان می‌گذرد. من چند سال قبل تصمیم گرفتم از آفتـاب مرداد عکاسـی کنم که در همـان روزی که می‌خواسـتم، گالری به من وقت داد اما به تازگی پیشنهاد نمایشگاهی را نیز به یکی از گالری‌هـای تازه‌تاسـیس دادم. جالب است بدانید آنها اعلام کردند تا سه سال بعد تمام برنامه‌هایشان پر است. اصلاً نمی‌خواهم با بدبینی بـه ماجرا نگاه کنم امـا واقعاً گالری‌ای کـه چند ماه از تاسـیس‌اش می‌گذرد، می‌تواند برنامه‌هایش را برای سه سال بعد آماده کند؟ این اصلاً منطقی است؟ این ادعاها در حالی بیان می‌شـود که من خودم سال‌هاست در این فضا زندگی کرده‌ام و اولین نمایشگاه عکس را به شکلی که هم‌اکنون برگزار می‌شود، در ایران گذاشته‌ام.

– آقای عدل من هنوز هم معتقدم نمی‌توان یکسره این رونق را تکذیب کرد.

کسی نمی‌خواهد رونق را تکذیب کند، مساله من این است که جریان به این شکلی که هم‌اکنون ادعا می‌شود، وجود ندارد. خوشـبختانه یا متاسـفانه من با بسیاری از دکوراتورهای خانه‌های تازه به دوران رسـیده‌های تهران رفت و آمد دارم و از بسـیاری از خانه‌های آنها عکاسـی کرده‌ام و به عینه مشاهده می‌کنم که آنهایی که چند ده میلیون صرف دکور خانه‌شـان می‌کنند، هیچ شناخت و علاقه‌ای به آثار هنری ندارند یعنی ترجیح می‌دهند صدها میلیون تومـان خرج خرید فلان مارک مبل کنند تا اینکه فلان اثر هنرمند نامی را بخرند. آنها حتی الفبای آثار هنری را هم نمی‌شناسند، یعنی می‌توان یک اثر بی‌ارزش را به عنوان یک اثر فاخر هنری بـه آنها قالب کرد و آب هم از آب تکان نخورد. آنها بیشتر دل‌شان می‌خواهد به رفت و آمد صـرف با هنرمندان آن هم بیشتر سینماگران بسنده کنند. همین هم برایشان کافی است.

– پـس ایـن آثـاری که بـه فروش می‌رسـند و در هر نمایشگاهی نیز می‌تـوان مشاهده‌شـان کـرد، کجا می‌روند؟

وقتی می‌شود پرسید کجا می‌روند که مطمئن بود به همین قیمت‌هایی که گفته می‌شود به فروش می‌رسند. ببینید من باز هم تاکید می‌کنم کسی منکر فروش رفتن آثار نمی‌شود، اما این آش به این شوری هم که ادعا می‌شود، نیست. چندی قبل برادرم «شهریار» نیز گفت‌وگویی انجام داد کـه او هم عنوان کرد این حبابی که هم‌اکنون وجود دارد، می‌شـکند. جالب است بدانید عین این جمله را من نیز در گفت‌وگویی دیگر عنوان کرده‌ام، بی‌آنکه هیـچ کدام‌مان از صحبت دیگری اطلاع داشـته باشـیم. باید به این مسـاله توجه شود که با این حرف‌هایـی که زده می‌شـود می‌خواهند «ماهی گنده» درست کنند، در حالی که در این شهر «ماهی گنده» به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد.

– حالا از این بحث بگذریم. غیر از این نمایشـگاه پیـش رو که عکس‌هـای قدیمی‌تـان را به نمایش می‌گذارید، پروژه جدیدی نیز در دست دارید؟

می‌خواهـم بهمن‌ماه، از معماری اسـتعماری ویتنام عکاسـی کنم و اصلاً همین نمایشگاه را نیز برای تامین هزینه‌های آن سفر برگزار کرده‌ام، یعنی فکر کرده‌ام اگر ۲۰ تابلو از این نمایشـگاه به فروش رود، امکان دارد این سـفر را با آسودگی بیشـتری به انجام برسانم. معماری ویتنام که یک نوع معماری اسـتعماری است، از اهمیت و زیبایی بسـیار زیادی برخوردار اسـت و بسـیار جالب توجه است.

– قضیه انتقال عکس‌هایتان به هاروارد چیست؟

من چهار آرشـیو بزرگ عکـس دارم؛ یکی مربوط به تلویزیون ملی ایران است که در آن سال‌ها من عکس‌های مختلفـی را با موضوعاتی از معمـاری گرفته تا منظره و فرهنگ و تمدن به همراه موسیقی به نمایش می‌گذاشتم که این آرشیو متاسفانه نابود شد و از بین رفت. یک آرشیو بسـیار بزرگ نیز داشتم که قسمت اعظمی از آن نیز از بین رفته اسـت. دو آرشیو همچنان باقی است؛ یکی که در ژنو اسـت و دیگری آرشیو خودم. می‌دانم بعد از من دخترم نمی‌تواند آنها را به شـکل مطلوب نگهداری کند و این مسـاله طبیعی است، چون این کار علم مخصوص بـه خود را می‌خواهد. بنابراین باید راهی برای آنان پیدا کنم، به خصوص اینکه فیلم‌های عکاسی عمر دارند و بعد از مدتی از بین خواهند رفت و همچنین باید در شرایط بسیار خاصی نگهداری شوند.

– چرا در ایران به سازمان یا نهادی واگذار نمی‌کنید که از آنها محافظت کنند؟

بسـیاری از عکس‌هایـم که در اختیار سـازمان‌ها و نهادهای مختلف بود آسیب دیده یا از بین رفته‌اند. حالا تعداد دقیق عکس‌هایم را ندارم، اما می‌توانم بگویم بیش از ۱۰ هـزار تا از عکس‌هایم باقی مانده‌اند که در اختیار هـاروارد قـرار خواهند گرفت. عکس مثل تابلو اسـت و باید در شـرایط خوبی نگهداری شود. وضعیت نامطلوب نگهداری از عکس موجب شـد نسـبت بـه آینده آثارم تردید کنم چون می‌ترسـم آنها هم از بین بروند. باید به آرشیو عکس‌ها سر زد و هرچند وقت یک بار آنها را مورد بازدید و بررسـی قرار داد، اما متاسفانه این مراقبت‌ها در کشور ما به درستی انجام نمی‌شود. بارها تاکید کردم آثار آلبومخانه موزه کاخ گلستان را که عکس‌های بی‌نظیری در آن نگهداری می‌شود عکاسی دیجیتالی شود تا هرکسی این عکس‌ها را ورق نزند که به مرور فرسـوده شـود. از چهار سـال قبل اسـکن عکس‌هایم را شـروع کرده‌ام و هنـوز هـم این کار ادامه دارد. یک نسـخه از آنها را هم برای خودم اسـکن می‌کنم. زمانی که اسـکن همه آنها به اتمام برسد به دانشگاه هاروارد می‌دهم که در شرایط خوبی نگهداری شوند.

– عمده عکس‌هایی که از شما دیده‌ایم، عکس‌های معماری است. در این باره توضیح می‌دهید؟

سـابقه عکاسی معماری به آغاز عکاسی برمی‌گردد، چون زمان عکاسـی در گذشـته بسیار زیاد بوده است. بناهـا ایـن امکان را به عکاسـان می‌دادنـد که از آنها عکاسـی کنند. «علی خان حاکم» که جد من است در سن پترزبورگ عکاسی یاد می‌گرفته است که در ایران عکاسـی معماری می‌کند. من وقتی به ایران بازگشتم بیشتر عکاسی مد می‌کردم، اما کم‌کم مجبور به عکاسی معماری شدم. من سه نوع عکاسی معماری کرده‌ام که دارای سبک‌های متفاوتی هستند. از معماری‌های مدرن ایران گرفته تا عکس معماری‌های سـنتی و آب‌انبارها و معماری‌هـای قدیم. از خرمشـهر قبـل از جنگ هم عکس‌های بسـیاری داشته‌ام که متاسفانه هم‌اکنون از بین رفته‌اند و حسـرت بزرگی برایم به وجود آورده‌اند. آن عکس‌ها اگر بودند، این امکان وجود داشت تا درباره معماری خرمشـهر قبل از جنگ که هم‌اکنون به شکل کامل از بین رفته‌اند، اطلاعات زیادی داشـته باشـیم.

خلاصه گفت‌وگو

متاسفانه این روزها موجی در هنرهای تجسمی تهران راه افتاده است و هنرمندان و گالری‌داران مدام می‌خواهند بگویند ما فلان تابلویمان را ۴۰ میلیون تومان فروخته‌ایم و بهمان اثر را ۲۰ میلیون تومان. انگار قیمت بالای آثار هنری هم‌اکنون به نوعی پز تبدیل شده است.

بسیاری از عکس‌هایم که در اختیار سازمان‌ها و نهادهای مختلف بود آسیب دیده یا از بین رفته‌اند. حالا تعداد دقیق عکس‌هایم را ندارم، اما می‌توانم بگویم بیش از ۱۰ هزار تا از عکس‌هایم باقی مانده‌اند که در اختیار هاروارد قرار خواهند گرفت.

از آثار کامران عدل

خبر

تمدید نمایشگاه پرویز کلانتری

در پـی اسـتقبال مـردم و جامعه هنری از نمایشـگاه نقاشـی‌های پرویز کلانتـری در نگارخانه «سـاربان»، این نمایشگاه تا پنجشنبه ۲۱ مرداد تمدید شد. این نمایشگاه علاوه بر ارائه هشت اثر جدید از آثار این استاد پیشکسوت و صاحب سبک تلاش کرده است از دوره‌های مختلف کاری وی آثاری را به عنوان نمونه به روی دیوار ارائه دهد. در این نمایشگاه ۲۵ تابلوی نقاشی از دوره‌های مختلف کاری پرویز کلانتری به تماشای مردم گذاشته شده است که ۲۰ اثر آن برای فروش و پنج اثر متعلق به گنجینه نگارخانه ساربان است و دست‌کم هشت تابلو برای نخستین‌بار است که به روی دیوار یک نگارخانه می‌رود. آثار جدید استاد پرویز کلانتری در این نمایشگاه شامل یک اثر ۵/۴ متری در سه قطعه از مجموعه «خشـت و کاشـی و خط و ربط»، سه تابلوی بسیار زیبای مینی‌مالیسـم از مجموعه «خط و ربط»، دو اثر از مجموعه «خشت و کاشی»، یک نقاشی از مجموعه «ساختارشکنی» و یـک تابلـو از مجموعه «فیروزه برخاک» اسـت. این آثار هرچند از نظر متریال، خشت و کاهگل و خاک، مانند همه آثار قدیمی استاد کلانتری هستند و وحدت تکنیکی دارند اما از نگاه محتوا و فرم شکل‌گیری در ساختی نو و تازه سیر می‌کنند که تفاوت‌های آشکاری با آثار کهن وی دارند. کنار هـم قرارگرفتن این آثار جدید با نقاشـی‌هایی از مجموعه «همراه با عشایر ایران» و مجموعه‌های «خشت»، «کاهگل» و... می‌تواند از جذابیت‌های این نمایشـگاه محسوب شود. نمایشگاه نقاشی‌های استاد پرویز کلانتری تا تاریخ ۲۱مرداد در گالری سـاربان دایر خواهد بود و علاقه‌مندان می‌توانند همه‌روزه از ساعت ۱۶ تا ۲۰ از این آثار در نگارخانه ساربان واقع در خیابان شهید بهشتی ، چهارراه صابونچی (مهناز)، خیابان مهماندوست، پلاک ۸ دیدن کنند.

نمایشگاه پیشکسوتان نقاشی قهوه‌خانه‌ای

در آسـتانه مـاه مبـارک رمضـان نمایشـگاهی از آثار پیشکسوتان نقاشی قهوه‌خانه‌ای در نگارخانه ابن‌سینا برگزار می‌شود. در آستانه ماه مبارک رمضان نمایشگاهی از آثار نقاشی قهوه‌خانه‌ای با آثاری از زنده‌یاد فتح‌الله قوللر آغاسـی، حسن اسماعیل‌زاده، عباس بلوکی‌فر، علی لرنی و سیدجواد عقیلی در نگارخانه ابن‌سینا از امروز گشایش می‌یابد. این نمایشگاه تا ۲۰ مردادماه برپاست. علاقه‌مندان می‌توانند برای بازدید از آثار این هنرمندان از ساعت ۹ تا ۱۹ به نگارخانه ابن‌سینا واقع در شهرک قدس، فاز یک، ایران‌زمین شمالی مراجعه کنند.

نمایشگاه خط‌نقاشی «آیه‌های نور»

نمایشـگاه آثار خط‌نقاشی قرآنی با عنوان «آیه‌های نور» در مـوزه هنرهای معاصر فلسـطین گشـایش می‌یابد. این نمایشگاه شامل بیش از ۴۰ اثر خط نقاشی قرآنی از علی تن، حسین الطافی و عظیم فلاح است که به مناسبت ماه مبارک رمضان گشـایش می‌یابد. علی تن متولد ۱۳۵۰ (کازرون)، فارغ‌التحصیل رشته نقاشی از دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد از دانشگاه تربیت مدرس و دانش‌آموخته انجمن خوشنویسان ایران است. علی تن مدرس دانشگاه‌های صنایع دستی، علامه طباطبایی و انجمن خوشنویسـان ایران اسـت. وی داوری جشنواره‌ها و مسابقه‌های مختلف ملی و بین‌المللی در ایران، برگزاری ۱۸ نمایشـگاه انفرادی و شـرکت در بیش از ۱۲۰ نمایشگاه گروهی داخل و خارج از کشور را در کارنامه هنری خود دارد. او همچنین ریاست اداره ارشاد تهران، مسوول امور نگارخانه‌های هنری و عضو شورای راهبردی اولین دوسالانه ملی خوشنویسی را در طول این سال‌ها بر عهده داشته است. غلامحسین الطافی نیز هنرمند دیگری است که آثار وی در این نمایشگاه به نمایش درمی‌آید. وی سال‌ها نزد استاد «علی تن» به آموزش هنر خوشنویسی پرداخته است و تاکنون برگزاری نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی متعددی را در کارنامه هنری خود دارد که از آن جمله می‌توان به برگزاری نمایشگاه‌هایی در فرهنگسرای ابن‌سینا، اقوام، خاوران و دانشجو اشاره کرد. از دیگر هنرمندان این نمایشـگاه عظیم فلاح است که تا به حال، بیش از ۱۸ نمایشگاه انفرادی و ۱۱ نمایشگاه گروهی برگزار کرده است. نمایشگاه آثار خط‌نقاشی قرآنی «آیه‌های نور» سه‌شنبه، ۱۹ مرداد، ساعت ۱۷ در موزه هنرهای معاصر فلسطین گشایش می‌یابد و تا پایان ماه مبارک رمضان ادامه خواهد داشت.

بزرگ‌ترین اثر پیکاسو از نظر ابعاد در لندن

بزرگ‌ترین اثر پابلو پیکاسو نقاش و پیکرتراش اسپانیایی از نظر ابعاد که پیش از این در سال ۱۹۲۴ در نمایش‌های یک کمپانی باله به نام «Ballet Russeul» مورد اسـتفاده قرار گرفته، روز پنجشنبه در لندن به نمایش گذاشته شد. این اثر که توسط خود پیکاسو طراحی و امضا شده و پس از آن به دست هفت تن از هنرمندان دیگر به اتمام رسـیده، در یک نمایش تک‌نفره باله با عنوان «قطار آبی» به کارگردانی «برونیسـلاوا نیژینسکا» مورد اسـتفاده قرار گرفت. به گزارش خبرگزاری فرانسه، این شاهکار که انتظار می‌رود یکی از برجسته‌ترین آثار به نمایش گذاشته‌شده در موزه «ویکتوریا آلبرت باله روسی» باشـد در سال ۱۹۶۸ توسط این کمپانی خریداری شد، اما از آن زمان تاکنون هرگز به نمایش گذاشـته نشده است. علاوه بر این اثر، بالغ بر ۳۰۰ اثر هنری در این نمایشگاه در معرض دید علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت. پیکاسو در ۲۵ اکتبر سال ۱۸۸۱ در مالاگا، یکی از شهرهای کشور اسپانیا، زاده شد. وی تحصیلات خود را در فرانسه به پایان رساند. او نزد پدرش که اسـتاد نقاشـی بود به آموختن صورتگری پرداخت و در سال ۱۹۰۳ مقیم پاریس شد. در سال‌های ۱۹۰۶ و ۱۹۱۰ به اتفاق ژرژ براک، از نخستین کسانی بود که سنجاق و میخ را با هم توام کرد و پیکاسو تخته و چیزهای دیگری را هم به آن افزود. پیکاسو در سبک خود شهرت فراوانی به دست آورد و پیروان فراوانی کسب کرد. او در مجسمه‌سازی، قلم‌زنی، حکاکی روی چوب و معماری تبحر داشت. دوره اول هنری وی در طبقه‌بندی‌ها به نام‌های «رز و آبی» اسـت. در دوران آبی سـبک کاری وی اغلب شامل سایه‌های آبی کشیده شده از اجسامی بود که تنها نیمی از آنها به تصویر کشـیده می‌شد. در دوران رز از آبی به سمت صورتی تمایل پیدا کرد و نقاشی‌های وی به دنیای واقعی نزدیک‌تر شدند. او سپس به سبک کوبیسم روی آورد که در آن اشیا را توسط اشکال ساده هندسی به تصویر کشاند. آخرین دوره کاری پیکاسو دوره سوررئالیستی است که از ۱۹۲۴ آغاز می‌شود، ولی همیشه فاصله‌اش را با سوررئالیست‌ها حفظ کرد. پیکاسو و هنرمندان سوررئالیست جهان در